

مسافر، بُرَج، كِرم

سه استعاره درباره خواندن

آلبرتو منگوئل

ترجمه عرفان قادری



ketabtolah

این اثر ترجمه‌ای است از:

**The Traveler, the Tower,
and the Worm**

The Reader as Metaphor

Alberto Manegoni

University of Pennsylvania Press, 2013

سرشناسه: مانگونل، آلبرتو، ۱۳۹۸ - م

Manegoni, Alberto, 1948

عنوان و نام پدیدآور: مسافر، برج، کرم، سه استعاره درباره خواندن، آلبرتو مانگونی، ترجمه عرفان قادری، ویراستار فاطمه اکبرزاده، به سفارش نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.

تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: 978-964-5774-17-3

ردف بندی کنگره: GNT5475

ردف بندی دیویی: 8۰۹۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۰۳۷۷۶

مسافر، برج، کرم
سه استعاره درباره خواندن

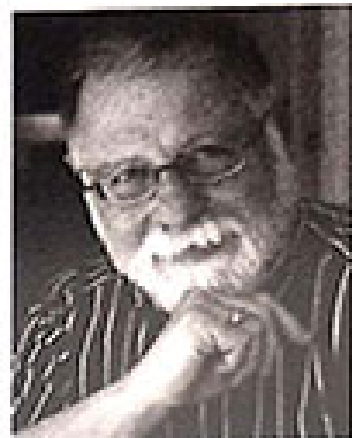
نویسنده: آلبرتو مانگونل | مترجم: عرفان قادری | ناشر: ترجمان علوم انسانی، به سفارش نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ویراستار: فاطمه اکبرزاده | طراح جلد: حمید اقدسی بزدلی صفحه‌آرا: معصومه کریمی | چاپ: زیتون | نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱ | شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

پست الکترونیکی: tarjoman.nashr@gmail.com

فروشگاه اینترنتی: www.tarjomaan.shop

.....
حقوق چاپ و نشر در تمام قالب‌ها اعم از کاغذی، الکترونیکی و صوتی انحصاراً برای انتشارات ترجمان علوم انسانی و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور محفوظ است.

.....
این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



معرفی نویسنده

آلبرتو منگوئل نویسنده، مترجم و ویراستار آرژانتینی است. او در نوجوانی در یک کتاب‌فروشی کار می‌کرد و همان‌جا بود که با بورخس، که از مشتری‌های آن کتاب‌فروشی بود، آشنا شد. بورخس که نابینا بود از منگوئل خواست روزهایی را به کتاب‌خواندن برای او اختصاص دهد؛ این دیدارها چهار سال ادامه داشت. او رشته فلسفه را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد، اما نیمه‌کاره آن را رها کرد و به اروپا رفت و به عنوان ویراستار و نویسنده مشغول کار در انتشاراتی‌ها شد. در کارنامه او کتاب‌های پرفروش و تقدیرشده زیادی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب تاریخ خواندن، همنشین بورخس، و کتابخانه، شباهنگام اشاره کرد.

[فهرست]

۹	یادداشت مترجم
۱۱	قدردانی
۱۵	مقدمه
۱۹	[بخش اول]: خواننده به مثابه مسافر خواندن به مثابه شناخت جهان
۲۱	[۱] کتاب جهان
۳۱	[۲] سفر در متن
۳۷	[۳] جاده زندگی
۴۷	[۴] سفر در وب
۵۵	[بخش دوم]: خواننده در برج عاج خواندن به مثابه بیگانگی از جهان
۵۷	[۵] برج سودازده
۶۹	[۶] شاهزاده اهل کتاب
۸۳	[۷] برج دیدبانی
۸۹	[بخش سوم]: خوره کتاب خواننده به مثابه مبدع جهان
۹۱	[۸] موجودی که از کتاب آفریده شده است
۱۰۵	[۹] خواننده مسحور
۱۱۱	نتیجه گیری خواندن برای زندگی کردن
۱۱۹	پی نوشت ها و نمایه

یادداشت مترجم

برگردان فارسی برخی نقل قول‌های کتاب را از ترجمه‌های موجود آن‌ها گرفته‌ام که ذیلاً معرفی می‌گردند:

عهد جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار، نشر نی، ۱۳۹۷

دن کیشوت، ترجمه محمد قاضی، ثالث، ۱۳۸۱

آنا کارنینا، ترجمه سروش حبیبی، نیلوفر، ۱۴۰۰

میدل مارچ: داستان یک شهر، ترجمه رضا رضایی، نشر نی، ۱۳۹۸

مادام بوواری، ترجمه محمد قاضی، بدرقه جاویدان، ۱۳۹۹

تسلای فلسفه، ترجمه سایه میثمی، نگاه معاصر، ۱۳۸۵

کمدی الهی، ترجمه شجاع‌الدین شفا، امیرکبیر، ۱۳۹۹

هملت (نمایش‌نامه)، ترجمه م.ا. به‌آذین، نشر دات، ۱۳۹۲

طوفان (نمایش‌نامه)، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر اندیشه، ۱۳۵۷

تلاش بیهوده عشق (نمایش‌نامه)، ترجمه علاء‌الدین بازارگادی، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، ۱۳۵۶

روزنگوانتز و گیلدنستون مرده‌اند (نمایش‌نامه)، ترجمه مصطفی اسلامی، نیلوفر، ۱۳۸۱

بهشت گمشده، ترجمه فریده مهدوی دامغانی، موسسه نشر تیر، ۱۳۸۱

در ستایش دیوانگی، ترجمه حسن صفاری، فرزان روز، ۱۳۸۲

اعترافات آگوستین قدیس، ترجمه افسانه نجانی، پیام امروز، ۱۳۸۲

آلیس آن سوی آیینه، ترجمه محمد تقی بهرامی حزان، جامی، ۱۳۷۴

قدردانی

از دیوید مک‌نایت و شورای دانشگاه پنسیلوانیا به خاطر دعوت از من برای ایراد سخنرانی در مجموعه نشست‌های روزنباخ، که منجر به نگارش کتاب حاضر شد، سپاسگزارم. همچنین از کتاب‌داران کتابخانه آزاد [فیلادلفیا]، کتابخانه روزنباخ، کتابخانه دانشگاه پنسیلوانیا و کتابخانه مرکز یهودیان فیلادلفیا برای مهمان‌نوازی و بلندنظری‌شان در طول مدت حضورم قدردانی می‌کنم. تشکر ویژه می‌کنم از پدر لوسین-ژان بورد، سرکتابدار صومعه مارتین قدیس در لیگوزه، که سخاوتمندانه منابع لازم را در اختیارم گذاشت و با نظرات ارزشمندش یاریگرم شد. مخصوصاً از جری سینگرمن سپاسگزارم که با تیزهوشی، فضل و مهربانی‌اش نشان داد غرض‌ورزی‌هایم نسبت به ویراستاران به‌طرز شرم‌آوری خطا بود.

مقدمه

امور واقع وجود ندارد، آنچه هست تعبیر است و پس.

فریدریش نیچه، نوشته‌های منتشرشده پس از مرگ

تا آنجا که می‌دانیم، ما تنها موجوداتی هستیم که تصور می‌کنیم جهان از داستان ساخته شده است. تلقی ما از هویت ادراکی‌مان و هویت جهان اطرافمان، به دلیل آگاهی از هستی‌مان که منتج از نحوه رشد زیست‌شناختی‌مان است، چنان است که گویی باید از طریق کلمات رمزگشایی شوند؛ گویی همه چیز عالم رمزی است که باید آن را فراگرفته و دریابیم. جوامع انسانی بر این فرض استوارند که ما، تا اندازه‌ای، می‌توانیم دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم بشناسیم.

برای شناخت جهان، یا برای تلاش و شناخت جهان، تبدیل تجربه به زبان کافی نیست. زبان نمی‌تواند به‌گونه تجربه ما راه یابد؛ زبان نمادهایی ناقص و دوپهلوی را در قالب رمزهای ظاهراً مشترک و قراردادی از فردی به فرد دیگر منتقل می‌کند، نمادهایی که منکی بر هوشمندی گوینده یا نویسنده در انتخاب کلمات و ذکاوت خلاقه شنوندگان یا خوانندگان است. زبان برای افزایش احتمال فهم متقابل و ایجاد فضای وسیع‌تر معنا به استعاره پناه می‌برد که، در نهایت، اقرار به شکست آن در برقراری ارتباط مستقیم تلقی می‌گردد. استعاره تجربه در یک عرصه را از طریق تجربه در عرصه‌ای دیگر روشن می‌سازد. ارسطو می‌گفت تأثیر استعاره در شناختی است که در خاطر خواننده زنده می‌شود؛ به عبارت دیگر، خواننده باید به موضوع استعاره معنایی خاص و مشترک بدهد. جوامع نویسندگان

با جوامع صاحب نوشته، برای نام‌گذاری رابطه ادراکی میان انسان و جهان، استعاره‌ای محوری صورت داده‌اند: جهان به منزله کتابی که باید خوانده شود. روش‌های اجرای این خواندن متفاوت است - از طریق آثار داستانی، ریاضیات، نقشه‌نگاری، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، شعر، الهیات و بی‌شمار روش دیگر - اما فرض بنیادی آن‌ها یکی است: جهان نظام منسجم نشانه‌هایی است که تحت نظارت قوانین معینی قرار دارند. آن نشانه‌ها واجد معنا هستند - حتی اگر فراتر از حد دریافت ما باشد - و ما برای فهم آن معنا می‌کوشیم کتاب جهان را بخوانیم.

تلفی همه جوامع نویسا از این استعاره محوری یکسان نیست، و اصطلاحات متفاوتی که برای نام‌گذاری عمل خواندن ساخته‌ام نشان می‌دهند که هر جامعه، در زمان‌ها و مکان‌های معین، چگونه هویت خاص خود را تعریف می‌کند. سیسرو، ضمن مخالفت با فرضیات ارسطو، در مورد استفاده بی‌دلیل و صرفاً زینتی استعاره هشدار داد. او در فن خطابه می‌گوید «همان‌گونه که ابداع پوشاک در آغاز برای محافظت ما در برابر سرما بود و بعدها به زیور و نشانه تشخیص بدل شد، استفاده از استعاره نیز به ضرورت ضعف و نارسایی بود، ولی به تدریج برای تفریح و سرگرمی به کار رفت». به عقیده سیسرو، استعاره زاده نارسایی زبان یا، به عبارت دیگر، ناتوانی کلمات در توصیف دقیق و عینی تجربیات ماست. کاربرد صرفاً تزینتی استعاره به معنی بی‌مقدار کردن توان غنابخشی ذاتی آن است.

جوامع از هر استعاره اصلی‌ای سلسله استعاره‌ها را به وجود می‌آورند. جهان به مثابه کتاب یا زندگی به منزله سفر پیوند می‌یابد و، از اینجا، خواننده به مسافری بدل می‌گردد که اوراق کتاب را می‌پیماید. ولی گاه مسافر در این سفر به مکان و ساکنان آن توجهی ندارد و می‌شود گفت که فقط از مأمنی به مأمن دیگر می‌رود؛ بنابراین عمل خواندن محدود به مکانی می‌شود که مسافر در آنجا از عالم کناره می‌گیرد - عوض آنکه در جهان زندگی کند. استعاره توراتی برج که بر پاکدامنی و بیکارت اشاره دارد، و در غزل‌های سلیمان و مواد تصویری قرون وسطا در مورد عروس و مریم باکره به کار می‌رود، سده‌ها بعد به برج عاج

خواننده استحال می‌یابد که حامل معانی منفی ناظر بر انفعال و بی‌علاقگی به مسائل اجتماعی، نقطه مقابل خواننده‌مسافر، است. استعاره مسافر تحول می‌یابد و در نهایت زائر متون، مثل همه موجودات فانی، طعمه «کرم مرگ» می‌شود. استعاره‌ای خوفناک از آفتی کوچک که اوراق کتاب‌ها را می‌جوید و کاغذ و جوهر را می‌بلعد. این استعاره مجدداً ظاهر می‌گردد و درست همان‌طور که کرم خواننده‌مسافر را می‌بلعد، خواننده‌مسافر (گاهی) کتاب‌ها را می‌بلعد، نه برای آنکه از معرفتی که در آن‌ها مندرج است (و زندگی به نمایش می‌گذارد) بهره‌ای ببرد، بلکه تنها به این منظور که از کلمات پُر شود و در نتیجه همان کار مرگ را تکرار کند. از این‌رو، چون خواننده مثل کرم، موش یا موش سیاه است - موجودی است که برای او کتاب (و زندگی) نه غذا بلکه خوراک به حساب می‌آید - مورد تمسخر قرار می‌گیرد.

استعاره‌های یادشده همیشه به روشنی بیان نمی‌شوند. گاه موضوع استعاره در متن مستتر است ولی خود استعاره که روشنگر آن خواهد بود هنوز نام‌گذاری نشده است. درواقع، در مواردی چون برج عاج، استعاره مدت‌ها بعد از پدیدارگشتن موضوع آن در جامعه ساخته می‌شود. ردیابی ظهور خود استعاره‌ها، جز در موارد معدود، دشوار است؛ شاید طرح چند نمونه از پیدایش و تحول مفاهیم پشت استعاره‌ها سودمندتر و آموزنده‌تر باشد. من در یکی از کتاب‌های قبلی‌ام با عنوان *تاریخ خواندن*^۱ چند صفحه را به تحقیق در استعاره‌های مرتبط با خواندن اختصاص دادم و کوشیدم رد برخی از متداول‌ترین آن‌ها را پیدا کنم. اما احساس کردم این موضوع درخور بررسی عمیق‌تر است؛ نتیجه آن ناخرسندی کتاب پیش رو شد.

همواره به خوانندگان آثار چاپی می‌گویند که ابزارهایشان قدیمی و روش‌هایشان ازساختاده است؛ یا باید فناوری‌های جدید را بیاموزند یا از قافله عقب می‌مانند. شاید همین‌طور باشد که می‌گویند. ما از یک سو خود را حیواناتی گروه‌زی می‌دانیم که باید از دستورات جامعه پیروی کنیم، از سوی دیگر افرادی هستیم که از طریق بازتفسیر جهان،

1. *A History of Reading*

به لفظ درآوردن آن و اجرای دوباره تجاربمان به واسطه آن کلمات به شناخت جهان نایل می‌شویم. دست‌آخر، شاید جنالب‌تر و راهگشاتر آن باشد که توجه خود را بر آنچه در عمل خواندن تغییر نمی‌پذیرد، و اساساً معرف عمل خواندن است، متمرکز کنیم؛ یعنی بر واژگانی که ما به عنوان موجودات خودآگاه به کار می‌بندیم تا قابلیت یگانه خواندن را، که زاده ضرورت نجات‌یافتن از طریق تخیل و امید است، بشناسیم.



ما انسان‌ها شاید تنها موجوداتی باشیم که جهان را به کمک داستان درک می‌کنیم. برای ما جهان برشاز از نمادها و رمزهاست که باید با کلمات آن را رمزگشایی کنیم. ما می‌گوییم حقایق جهان را با خواندن و نوشتن کشف کنیم. پس عجیب نیست که در بیشترین جوامع انسانی استعاره‌های یکسان برای بیان رابطه انسان با جهان وجود داشته است. جهان همچون کتابی که باید خوانده شود. اما این استعاره، در هر جامعه‌ای، با استعاره‌های دیگری نیز مرتبط شده است. آوتو منگول، پژوهشگر برجسته ادبیات و رمان‌نویس آرژانتینی، در این کتاب سه استعاره اصلی تاریخ خواندن را بررسی می‌کند: خواننده به مثابه مسافری که صفحات کتاب جهان را در پی آگاهی و روشنگری می‌جوید؛ خواننده به منزله ساکن منکر برج عاج و خواننده همچون خوراکی بی‌خرد کتاب‌ها. منگول با تلفیق حیرت‌انگیز ما را به گشت‌وگذار میان آثار بزرگ ادبی و شخصیت‌های داستانی، از دل گشود گرفته تا مادام بوواری، می‌برد و می‌آموزد که ما در جهانی از کلمات زندگی می‌کنیم و چگونه زندگی خود را بی‌وقفه با کتاب‌ها پیوند می‌زنیم.



کتابخانه ملی ایران
قیمت: ۹۰۰ تومان

www.tarjomaan.shop

